

دیدار هوم

● محمد میرشکرایی

پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی

سوزنی شکل بلند و به رنگ سبز یا کمی مایه زردی. جوان شاخه کوچکی از گیاه را برید و به من داد! گفت نامش «همیشه زورور». ZAFUR است؛ «ریش بز» و «جاروی شاه خوشین» هم می‌گویند. بعضی هم «همیشه زرین» می‌گویند. دو نفر مشغول چینن گیاه بودند و کیسه‌ای را که با خود داشتند پر کرده بودند. گفتند که از کرمانشاه آمدیم به همین منظور، «همیشه زورور» را برای درمان بیماری می‌بریم. گفتند آن را باید جوشاند و جوشانده‌اش را به بیمار داد. نشستیم به گفت و گو. شاخه‌ای را که جوان نگهبان برایم برینده بود روی سنگ کنار دستم گذاشتم و مشغول یادداشت برداشتن شدم. عزیز درویشی هم نزدیکم نشسته بود و به گفت و گوی ما گوش می‌داد. دینم شاخه گیاه را برداشته به آرامی نوازش کرد، بوسید و بر پیشانی نهاد و دوباره بر جایش قرار داد. متوجه نبودم که من زیر چشم حرکتش را دیدم. عمق اعتقادشان را از این رفتار احساس کردم. دیگر تردید نداشتم که به دیدار هوم نایل شمام و آنچه که در بلندای شاه بلوران می‌روید همان گیاه مقدس هوم است. دوباره صحبت را به همیشه زورور یا همیشه زرین برگرداندم. معنی نامش را پرسیدم. گفتند نمی‌دانیم. اما برگش همیشه سبز است و مردم خیلی به آن اعتقاد دارند. روزهای پنجشنبه جمعه و یکشنبه هر کس بتواند می‌آید اینجا به زیارت پنجه‌علی (قدمگاه) و شاه خوشین از همیشه زورور هم برای تبرک یا برای درمان با خود می‌برند. می‌گفتند هر سال شانزدهم دیماه اینجا مراسم «جشن یاران» داریم. اهل حق جمع می‌شوند و گاوی راه یا اگر نباشد گوسفندی را اینجا و یا کنار چشمه «زورور» (چشمه خاتون) قربانی می‌کنند و در اینجا با آب چشمه می‌پزند و همه حاضران از آن می‌خورند مردم در اینجا علاوه بر دعا و نیایش، نذر و نیاز هم دارند و بیشتر زنان، و از جمله نذر شوی و فرزندی و درمان

نیایش در کنار قدمگاه «پنجه‌علی» بر بلندای کوه شاه بلوران. بونه‌های گیاه همیشه زورور در پشت تصویر دیده می‌شود.

عکس: اثر علیرضا فرزین



نامه دادیم. بر بالای کوه زیارتگاه شاه خوشین بود که چشم‌انداز همه دشت و روستای بلوران را تا دوردست راه کوه‌دشت پیش چشم داشت. یک دکل مخابرات هم آنجا برپا بود و نگهبان آن جوانی بود که به دیدن ما جلو آمد و به گرمی تحویلمان گرفت. گفتیم



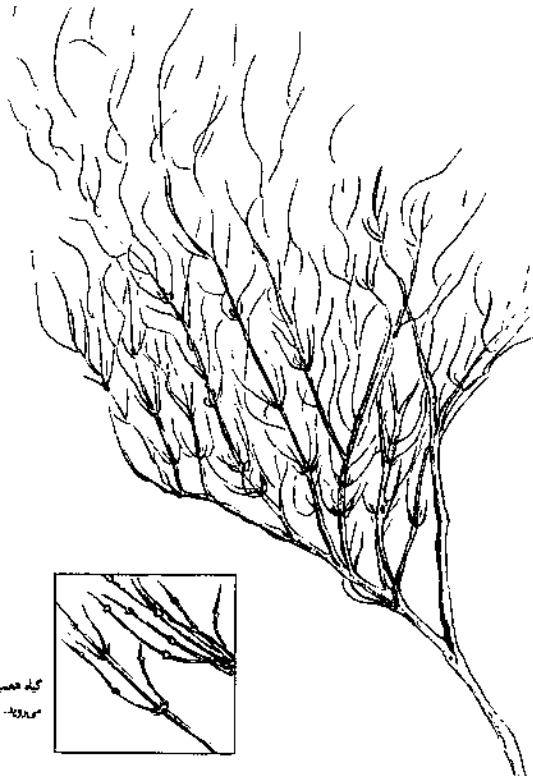
زیارت و نیایش در زیارتگاه شاه خوشین شاه بلوران عکس: علیرضا فرزین

که برای زیارت آمدیم و برای دین دینی‌های شاه بلوران خوش آمد گفت و شروع کرد به توضیح. سنگی را نشانمان داد و گفت اینجا «پنجه‌علی» قدمگاه مولا علی است و جای سم دلدل و آنجا زیارتگاه شاه خوشین، و نگاهم را که دوخته بر زمین دیدم گفت اینجا «همیشه زورور» هستند بر گرداگرد بلندی کوه جنگل تمام می‌شد و زمین از گیاهی پوشیده بود با برگ‌های

در آخرین روزهای شهریور ماه امسال (۱۳۷۹) سفری داشتم به کوه‌دشت لرستان و روستای بلوران. انگیزه سفر، خبری بود که از وجود گیاهی در لرستان گرفته بودم و بنا به نشانه‌هایی که از آن شنیده بودم، به نظرم همان «هوم» مقدس باستانی می‌آمد. در جستجوی هوم به همراه دوستم «فرزین» از خرم‌آباد راهی کوه‌دشت و روستای بلوران شدیم. روستا در دامنه کوهی به نام «بلوران» نشسته و نامش را هم از آن کوه گرفته است. کوه بلوران را به سبب مکانی بر بلندای آن که مورد احترام و اعتقاد مردم است و به «شاه خوشین» از «Xwasin» بزرگان اهل حق منسوب است، «شاه بلوران» نیز می‌نامند. وجود «هوم» را بر بلندای همین کوه خبر گرفته بودم. فرزین با اهل محل آشنا بود، گپ و گفتی زد و «عزیز درویشی» را یافت، که راه و مقصد را می‌شناخت، همراهمان شد و راهی شاه بلوران شدیم.

جاده از میان دره‌ای که جنگل بلوط دو سمت آن را پوشانده بود می‌گذشت و کوه را دور می‌زد. مسافتی که رفتیم در پس یک پیچ راه، بنای کوچکی با گنبدی ساده بر دامنه سمت راست جاده نمایان شد. همراهمان گفت اینجا مقبره و زیارتگاه است و به نام علاءالدین و این مسیر هم به بالای شاه بلوران می‌رود. پیاده شدیم به تماشا و جاده که باید از آن جدا می‌شدیم همچنان به طرف غرب در لابه‌لای پست و بلندی‌های جنگلی ادامه می‌یافت. سکوت بود و سکوت و انبوه درختان بلوط که گویی آنها هم به تماشای ما بودند. احساس می‌کردم سفرم به دوردست‌های زمان است. چند درخت انار بر گرد زیارتگاه برپا بودند و چشمه آبی در پایین دست آن روان بود. عزیز درویشی گفت این‌ها انار وحشی هستند نظر کرده این زیارتگاه‌اند کسی اینها را نداشت است. ذهنم به دنبال تقدس انار رفت و این باور اهل حق که «بایا یادگار» از دانه اناری پا به جهان گذاشته است. پس این انارهای وحشی باید چیزی بیش از یک انار ساده جنگلی باشند. همراهمان باز هم رشته خیالم را برید و گفت این چشمه، چشمه مرده‌هاست. مؤمنانی را که وصیت کرده باشند پیکرشان را به اینجا می‌آورند در آب این چشمه می‌شویند و بر کنار این زیارتگاه به خاک می‌سپارند. خفتگان این مزارها را از راه‌های دور و دراز به اینجا آورده‌اند. از کنار زیارتگاه علاءالدین رو به بالای کوه به راه افتادیم. نیمه راه به چشمه‌ای رسیدیم. درویشی گفت این چشمه «چشمه خاتون» یا «چشمه خاتون زورور» است می‌گفت مربوط به حضرت زهرا (س) است. آبش تبرک است و قربانی را که بر بالای کوه یا در کنار چشمه می‌کشند با آب چشمه می‌پزند. باز هم راهمان را به سوی بالا

بیماری، در چشمه و زیارت و کنار قنمگه مولا.



گیاه همیشه زورور که بر بلندی کوه شاه بلوران می‌روید.
طرح: مریم شکیب

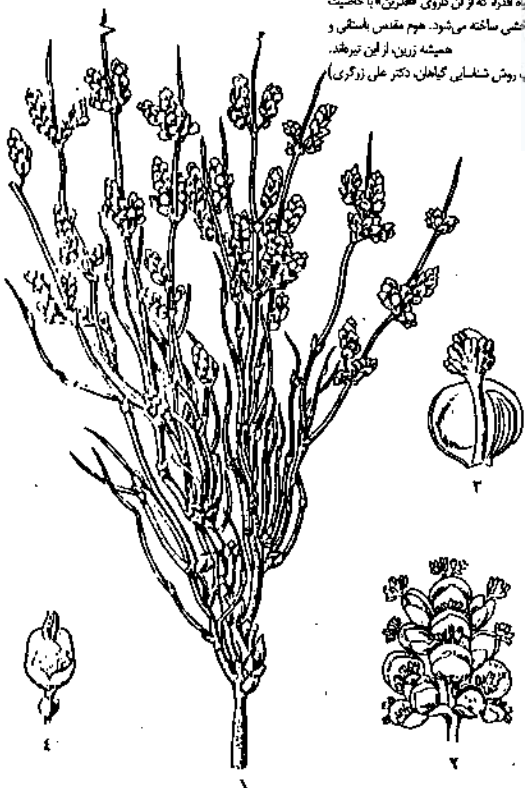
هم‌چنین است درباره ایزد مهر، که تجلی او را در پیکر آدمی، در تندیس‌های گوناگون او در نقاط مختلف جهان در مهرابه‌ها می‌بینیم و توصیف او را در سرسزن آفتابه در خورشید و در سرخی پیش از برآمدن خورشید در مهریشت و متون دیگر داریم.

«تختستین ایزد مینوی، که پیش از زمین خورشید جلوانه تیزاسبه بر فراز کوه البرز برآید.» مهریشته بند ۱۳.

مشخصه‌های هوم باستانی

چنان که توضیح داده شد، از ایزدان کهن آریایی است. به دو صورت مرد و گیاه توصیف شده است. گیاه هوم بر ستیغ کوه‌ها می‌روید و در اوستا بارها با صفت زرگون یا زریون و نیز با صفت «زرین نرم شاخه» آمده است. شیرهاش مستی‌آور و درمان‌بخش است. به عنوان دور دارنده مرگ از آن یاد شده و نوشیدن آیینی آن آمیخته به شیر بوده است. زمان گرفتن شیر هوم، سحرگاه است. برای گرفتن شیر هوم، آن را در هاون می‌کوبند، و به این لحاظ زمان نیایش سحرگاهی هوم را «هاون‌نگاه» نامیده‌اند. در آیین زردشتی نیز هاون‌نگاه یکی از پنج گاه نیایش شبانه‌روز شده است.

گیاه قدره که در آن طریقی هفتین با خاصیت آرایشی ساخته می‌شود. هوم مقدس باستانی و همیشه زریون از این تریدند.
(نقل از کتاب روش شناسی گیاهان، دکتر علی زرگری)



روز بعد از مکان دیگری هم خبر گرفتیم که در آن‌جا هم همیشه زورور می‌روید. نزدیک روستای «گوم بخری» در نورآباد لرستان، تپه‌ای است به نام «همیشه زریون» بر بالای آن هم یک قنمگه و به اصطلاح محلی «رودگه» هست؛ و آنجا هم چشمه‌ای هست که مردم باورها و قصه‌ها برایش دارند و آبش نظر کرده است. بر بالای تپه «همیشه زریون» مثل شاه بلوران همین گیاه می‌روید «همیشه زورور» و آنجا نام گیاه «همیشه زریون» است که نامش را به تپه هم داده است. یاد آمد که جوان نگهبان در شاه بلوران می‌گفت که در جای دیگر این بوته را همیشه زریون هم می‌گویند.

هوم، چیست؟ کیست؟

هوم از ایزدان کهن آریایی و هند و ایرانی است. در زبان اوستایی «هوم» (Hauma) و در سنسکریت «سوم» (soma) تلفظ می‌شود. در «هوم‌یشت» یسنای نهم و در دیگر بخش‌های اوستا که از «هوم» نام برده شده است، او را در دو صورت انسان و گیاه می‌بینیم. گاهی در یک متن هر دو جلوه انسانی و گیاهی او با هم آمده است. چنین است در بندهای یسنای نهم.

«به هاون‌نگاه (هنگام فشردن هوم) هوم زردشت را نزدیک شد آتش را پاکیزه کنان و گاهان را سزایان. زردشت او را پرسید کیستی ای مرد [انسان] که من تو را زیباترین همه هستی استومند دیندام.» یسنای ۹، بند ۱.

«فرو می‌خوانم ای زریون مستی [گیاه] توان، پیروزگوی نیروی بدنی، درمان‌گری...» یسنای ۹، بند ۱۷

راستی این که وجود مجرد ایزد هوم، دارای دو جلوه یا دو نمود انسانی و گیاهی است. در اسطوره‌های ایرانی، این خصلت در مورد ایزدان دیگر نیز دیده می‌شود. چنان که توصیف «اردوسور اناهیتا» در آبان‌یشت (یشت پنجم)، گاهی رودی را می‌نمایاند و گاهی چهره زنی را تصویر می‌کند. و در مواردی نیز این هر دو توأم می‌آیند.

«اوست که در بسیار فرهنگ‌های برابر همه آب‌های روی زمین است. اوست زورمندی که از کوه «هکر» به دریای فراخکرد می‌ریزد.» آبان‌یشت، بند ۲.

«آنگاه اردوسور اناهیتا، به پیکر نوشیزهای، زیبا، برومند کمر بر میان بسته... روان شد.» آبان‌یشت بند ۶۴.

تاریکی داشت کوه و جنگل را می‌پوشاند و صحبت ما تازه گل انداخته بود. اما باید زودتر برمی‌گشتیم. جوان تعارف کرد که باید حتماً یک نان و چایی بخورید، و ما را به اتاق کوچکی که در کنار دکل داشت دعوت کرد، اولین چیزی که در اتاق نگاهم را به خود کشید، شاخه‌ای از همیشه زورور بود که روبه‌روی در بر بالای دیوار آویخته بود. گفت و گو دوباره به گیاه مقدس کشید. گفتند رسم است که شاخه‌ای از آن را برای تبرک در بالای خانه و روبه‌روی در می‌آویزند. گفتند همیشه زورور فقط بر بالای شاه بلوران و گویا یک جای دیگر در لرستان می‌روید. درمان‌بخش است و به‌خصوص شیره یا جوشانده‌اش درمان دردهای استخوانی است. در این میان جوان سفره پهن کرد و نان و چایی آورد، خوردیم و بعد خداحافظی، و از شاه بلوران در تاریکی شب، پا به راه تا چشمه زورور و تا مقبره علاءالدین.

در راه همه آنچه که دیده و شنیده بودم، ذهنم را مشغول می‌داشت. این جمله‌های یسنای بی‌اختیار در خاطر می‌چرخیدند:

«می‌ستایم ابرها و باران را که پیکر تو را بر چکاد کوه می‌رویند، می‌ستایم ستیغ کوهی را که تو بر آن رویدی. بر فراز کوه بروی و در همه جا بیال، بی گمان، تویی سرچشمه»

و «فرو می‌خوانم ای «زریون» مستی، توان، پیروزگری، نیروی بدنی، درمان‌گری، رشد، بالند، نیروی همه تن و آگاهی همه آراسته تو را...»

و، درختان انار و چشمه خاتون، چشمه زورور و این که گفتند زورور نام زن است. و رابطه انار و چشمه و خاتون، با ایزد بانوی آب‌ها و با زهرای مطهر (س) و، قربانی گاو، و نیایش در شب شانزدهم مهر، مهر روز از ماه خنا و زیارت روزهای مقدس هفته، جمعه روز مقدس آیین مسلمانی و یکشنبه روز مهر و خورشید.

و این مفاهیم در پی هم به خاطر می‌آمدند. هوم، ایزدی، یا پیری که با زردشت به گفت و گو می‌نشاند. هوم، زریون مستی، گیاه هوم که شیرهاش، یا افشراهش درمان‌بخش است. هوم پیر دور دارنده مرگ، و خضر جاوید فرخنده‌ی، و پیران اهل حق، شاه خوشین و بابا یادگار، که از دانه انار هستی یافت و...

نقهمیدم کمی به علاءالدین رسیدیم، سوار ماشین شدیم و جاده را در شب رازآمیز جنگل‌های بلوفا، به طرف بلوران پیش گرفتیم. بلوران و خداحافظی و تشکر از عزیز درویشی و سیاسگزاری از تعارف گرمش برای رفتن به خانه، و سپس بازگشت به کوه‌دشت و خرم‌آباد.

احساس می‌کردم همه سفر در مکان و زمانی دیگر و دور از روزگار ما اتفاق افتاده است. همه مجموعه آیینی و اعتقادی شاه بلوران، هنوز مرا به خود می‌کشید. به گمانم هنوز خیلی چیزهای دیگر را باید در شاه بلوران جستجو کنم.

گفتنی می‌داند که ایزد هوم و آیین‌های نیایش او، مثل دیگر ایزدان آریایی پیش از زردشته، در آغاز رواج آیین نو، از طرف زردشت نکوهش شدند. اما از آنجا که زیربنای فرهنگی و اعتقادی جامعه بودند، پس از مدتی دوباره مورد تأیید آیین زردشتی قرار گرفتند. چنین است که در اوستای نو ستایش‌های گوناگون از هوم دیده می‌شود.

«مزدا، نخستین [بار] کشتی ستاره آذین مینوی برساخته دین نیک مزداپرستی، تو را فراز آورد. از آن پس، کمر بر میان بسته، همواره بر ستیغ کوه، منتره [کلام مقدس] را پناهگاه و نگهبانی.»
(یسنا، هات ۹)

در تحول عصر اسطوره به حماسه، ایزد هوم در شاهنامه، پیرمرد پارسایی می‌شود که در کوه زندگی می‌کند، از نژاد فریدون است و رستم و کیخسرو را در به بند کشیدن افراسیاب یاری می‌دهد. یکی مرد نیک اندر آن روزگار ز تخم فریدون آمرزگار پرستار با فر و بزرگیان به هر کار با شاه بسته میان پرستشگش کوه بودی همه ز شادی شده دور و دور از رمه کجا نام این نامور هوم بود پرستنده دور از بر و بوم بود

مشخصه‌های گیاه «همیشه زرور» یا «همیشه زرین»

مشخصه‌های گیاه همیشه زرور چنان است که می‌توان استمرار اسطوره هوم را در آن دید. بر بلندای کوه و در کنار مکان‌های مقدس منسوب به پیران و بزرگان دین، و یا نظر کرده آنها، می‌روید. شیره و جوشانده آن درمان‌بخش و نیز آرامش‌بخش است گیاهی مقدس و مورد اعتقاد مردم است. نام آن، همیشه زرور یا همیشه زرین، به معنی همیشه سبز و آمیخته با زرد طلایی است [چنان که در بلوران توضیح دادند] و با نام یا صفت هوم باستانی «زرین» همانند است.

صفت «زرین نرم شاخه» نیز که در هات ۹ یسنا برای هوم آمده است، با مشخصه همیشه زرور مطابقت دارد. همیشه زرور گیاهی نرم شاخه است، شکسته نمی‌شود؛ شاخه‌اش را با چاقو و ابزار برنده از بوته جدا می‌کنند. نیبرگ آن را در کوه‌های ایران و افغانستان سراغ می‌دهد، بنا به نقل گزارش اوستا (جلیل دوستخواه): «گیاهی است از گونه «افدرا» Ephedra، به بلندی بوته‌ای کوچک که به نظر می‌رسد پاره‌ای ویژگی‌های پزشکی داشته باشد. در تلالو عامه در زبان فارسی «ریش بز» می‌گویند. از این گیاه و سایر گیاهان این تیره آلکالوئیدی به نام افدرین به دست می‌آورند...»^۵

در ماء‌خذ یاد شده، «ریش بز» یا «برزیس» barzis اوستایی یکی دانسته شده، که مفهوم آیینی آن بستری از گیاهان بوده که هنگام قربانی کردن برای ایزدان گوشت قربانی را بر آن می‌گسترده‌اند، و برابر ودایی آن «برهیس» است.^۶

اما به نظر نگارنده که این گیاه را از نزدیک مشاهده

کرده است نام «ریش بز» دقیقاً با طرز قرارگیری برگ‌های سوزنی شکل آن بر روی شاخه مطابقت دارد. در فرهنگ مردم نامگذاری‌ها معمولاً بنا بر مشخصه‌هایی است که ملموس است و به چشم می‌آید. نام همیشه زرور یا همیشه زرین نیز با مشخصه‌های آشکار گیاه همخوانی دارد.

است.^۷ چابهار، بشارگرد و میناب سه منطقه همسایه در جنوب شرقی ایران و در ساحل دریای عمان هستند و مشترکات فرهنگی بسیار دارند که از جمله همین باورها و رسم‌های یاد شده است. دیدیم که کوبیدن آیینی یک گیاه معین به

نمودار مقایسه ویژگی‌های هوم و همیشه زرور	
همیشه زرور	هوم
نرم شاخه شیره (جوشانده‌اش) مورد استفاده قرار می‌گیرد بر بلندای کوه‌ها می‌روید. مقدس است و جایگاه باوری و اعتقادی دارد. شیره (جوشانده‌اش) درمان‌بخش است، و آرام‌بخش است تاکنون زمان معینی در پژوهش‌های انجام گرفته برای آن دیده نشده است در کنار مکان‌های مقدس منسوب به پیران و بزرگان دین، می‌روید، و یکی از نام‌های آن جاروی شاه خوشین است	.. (= زرین).. (= همیشه زرین). نرم شاخه. شیره‌اش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر ستیغ کوه‌ها می‌روید. مقدس و آیینی است شیره‌اش درمان‌بخش و دوردارنده مرگ است کوبیدن آن در زمان معین پگاه است جلوه دیگری از آن، صورت انسانی دارد، و در شاهنامه پیرمرد پارسایی توصیف می‌شود که در کوه زندگی می‌کند

نام هوم، در هاون، از آیین‌های کهن پیش از زردشتی است. گیاه هوم را در مراسم خاص می‌کوبیدند و از آن شیره‌ای به دست می‌آوردند که سکرآور بود. هاون کردن هوم باید در سمیده دم انجام می‌گرفت. صدای کوبیدن هاون، بانگ فراخوانی مؤمنان آن آیین نیز بود، و زمان مقدسی بود که گفتیم در آیین زردشتی نیز زمان نماز نخست شد. هم‌چنین هاون در شمار اشیاء مقدس آتشکده درآمد.^۸

به نظر نگارنده، کوبیدن گیاه دارویی، هم‌زمان با گرفتن خورشید و باور داشتن به درمان بخشی آن و نیز باور به تأثیر صدای کوبیدن هاون در رهایی خورشید، ردپایی از آن رسم کهن را می‌نمایاند. اگر این نظر درست باشد، تنها اثری است که از صورت آیینی رسم هاون کردن و تهیه شیره هوم، از دیرزمان تاکنون در فرهنگ عامه ایران باقی مانده است. توجه داشته باشیم که منطقه کوهستانی بشارگرد و حوزه فرهنگی میناب و چابهار از دست نخورده‌ترین حوزه‌های فرهنگی کشور

ردپایی دیگر، از اسطوره هوم در میناب و بشارگرد، به هنگام گرفتن خورشید، زنان و بچه‌ها با کوبیدن بر ظرف‌های مسی، سر و صدا به راه می‌اندازند، و هم‌زمان چند نوع گیاه را در هاون می‌کوبند تا دارویی برای درمان خورشید، درست کنند. در باورهای این منطقه گرفتگی خورشید به سبب بیماری اوست، هنگام کوبیدن هاون، زنان هلپله می‌کشند. درهم شدن صدای کوبیدن ظرف‌ها صدای کوبیدن هاون و هلپله زنان، غوغایی ایجاد می‌کند که موجب می‌شود بیماری از خورشید بگریزد. معتقدند دارویی که در جریان نجات خورشید درست می‌شود، برای درمان هر نوع بیماری مفید است.^۹

در چابهار نیز گرفتگی خورشید و ماه را ناشی از بیماری آنها می‌دانند و چند نوع گیاه وحشی را در هاون می‌کوبند تا گرفتگی برطرف شود. در آنجا هم معتقدند دارویی که با کوبیدن گیاهان در هاون و هم‌زمان با گرفتگی خورشید و ماه درست شده برای درمان همه نوع بیماری مفید

نمودار عناصر مشترک هاون کردن هوم و رسم رفع خورشیدگرفتگی	
هاون کردن هوم	ساختن دارو برای درمان خورشید
کوبیدن گیاه درمان‌بخش هوم استفاده از هاون	کوبیدن گیاه درمان‌بخش برای نجات خورشید استفاده از هاون
اهمیت آیینی صدای هاون	اهمیت باوری صدای هاون
اهمیت لحظه مقدس هاون‌گاه	اهمیت باوری لحظه گرفتن خورشید

اسطوره‌شناسی

- اسطوره، امروز
- رولان بارت
- شیرین دخت دقیقیان
- نشر مرکز



اسطوره هرگونه گفتار نیست، اسطوره نظامی ارتباطی و یک پیام است. اسطوره نمی‌تواند یک مفهوم یا یک ایده باشد، اسطوره اسلوبی از دلالت یک فرم است که باید به این فرم محدودیت‌های تاریخی و شرایط به کارگیری را افزود و اجتماع را دوباره به آن محاط کرد ولی ابتدا باید برای آن یک فرم تعریف نمود.

بارت در مقاله تئوریک خود با نام «اسطوره، امروز» مبنای و اسلوب‌های نظری خود را در اسطوره‌شناسی تدوین و ارائه کرده و شاید بتوان آن را چکیده‌ای از کلیه دستاوردهای بارت در زمینه‌های نقد، نظریه ادبی، نشانه‌شناسی و اسطوره‌شناسی دانست.

هم چنین بخشی از این کتاب به مجموعه‌ای از مقالات کتاب «اسطوره‌شناسی‌ها» که ویژگی سلیقه او در قطعه‌نویسی را نشان می‌دهد، پرداخته است. مجموعه‌ای گویا از شیوه نقدی ویژه او که وی آن را در تقابل با نقد دانشگاهی و فرهنگستانی نقد «تفسیری» می‌نامد. در طی این مقالات، نشانه‌های زندگی روزمره و حیات سیاسی و فرهنگی جامعه فرانسه در دهه ۶۰ مورد توجه قرار می‌گیرد و از اسطوره‌ها که زاینده نشانه‌های ناسالم هستند نقاب برداشته می‌شود. بارت در گزینش موضوع مقاله‌ها، محدودیتی قائل نمی‌شود.

مجموعه «اسطوره‌شناسی‌ها» مقالاتی است که در مطبوعات وقت فرانسه به چاپ رسید و به دلیل دربرداشتن رویدادهای آن روزگار، امروزه بیشتر دارای ارزش روش‌شناسیک هستند و این اسطوره‌شناسی در پی رهایی انسان از جنبه فریب اسطوره‌های ریز و درشت است.

اثر حاضر در مجموع تحت دو عنوان اسطوره، امروز و چند مقاله از اسطوره‌شناسی (راسین راسین است، رناتیلوس و کشتی سرمست، مغز آینه‌تاین و...) ارائه شده است.

است.

شاید سکا‌های هوم نوش

باتوجه به استمرار عناصر اسطوره‌ای هوم در رسم‌ها و باورهای یاد شده در فرهنگ مردم منطقه چابهار، بشارگرد و میناب، ممکن است در روزگاران کهن مردمان این منطقه در شمار ستایشگران ایزد هوم بوده‌اند و یا بخشی از سکا‌های هوم‌نوش بوده‌اند که از آسیای میانه به سمت جنوب کوچ کرده‌اند. این گروه از سکا‌ها بنا بر سنگ‌نیشته‌های بیستون و چند کتیبه دیگر، در زمان هخامنشیان در حدود منطقه سفد زندگی می‌کرده‌اند. نیز توجه داشته باشیم که در شمال همین حوزه چابهار و بشارگرد و میناب، نام سیستان یا سکستان نیز می‌تواند ریشه در نام سکا‌ها داشته باشد.^۱

گفتنی‌ها درباره هوم، و استمرار عناصر متفاوت اسطوره آن در فرهنگ مردم ایران بسیار است که در این مختصر نمی‌گنجد. تفصیل آن را به فرصت دیگری وامی‌گذارم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- بابا یادگار از پیران اهل حق به‌شمار می‌آید. زندگی او در باورهای اهل حق اسطوره‌وار است. مزارش در کرمانشاه و نزدیک کرد، از زیارتگاه‌های پیروان این طریقت است.
- ۲- دکتر محمدتقی راشد محصل. بررسی یسن نهم، ص ۹۱ مجموعه یادگار باستان. انتشارات کاویان، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳- مهریشت، جلیل دوستخواه، گزارش اوستا، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۳۵۶.
- ۴- یسنا، هات ۹ (هوم‌یشت) گزارش اوستا. ص ۱۴۰.
- ۵- جلیل دوستخواه. گزارش اوستا. ج دوم، پیوست. ص ۱۰۸۶.
- ۶- همان ماخذ، ص ۱۰۸۷.
- ۷- حمیدرضا حسنی، گزارش مردم‌نگاری میناب و بشارگرد ۱۳۷۷، استاد پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- ۸- امانگلدی ضمیر. گزارش مردم‌نگاری چابهار. ۱۳۷۶ استاد پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- ۹- محمد میرشکرایی. صدیقه فاتح، مهرالزمان نویان، گرفتگی خورشید و ماه در فرهنگ مردم ایران. پژوهشکده مردم‌شناسی. سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۷۸. صص ۳۲ و ۳۳.
- ۱۰- همان ماخذ، ص ۳۴.
- ۱۱- با تشکر از آقای علیرضا فرزین و آقای عزیز درویشی و آقای درویشی مامور دکل مخابرات کوه شاه بلوران.